

بسم الله الرحمن الرحيم

راههای ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در نوجوانان و جوانان

نقش محبت

نوع رابطه ما با اهل بیت (علیهم السلام)، بر چه مبنایی است و بر چه مبنایی باید باشد؟ آیا مثل رابطه ملت و حاکم است؟ آیا رابطه علمی میان شاگرد و استاد است؟ آیا رابطه «محبت» و «مودت» و پیوند قلبی و درونی است، که هم کارسازتر و هم بادوام تر و ریشه دارتر است؟ قرآن کریم روی این رابطه، تاکید دارد و «مودت اهل بیت» را اجر رسالت پیامبر (ص) معرفی می کند: (قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی) در روایات هم، مودت و ولایت، به عنوان یک «فرض» و ملاک قبول اعمال به حساب آمده است. تولای شما فرض خدایی است قبول و رد آن مرز جدایی است هر آن کس را که در دین رسول است ولایت، مهر و امضای قبول است دیانت بی شما کامل نگردد بجز با عشقتان دل، دل نگردد حتی اهل سنت هم طبق احادیثشان این نکته را قبول دارند و در شعر شافعی چنین آمده است: یا اهل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن انزله کفاکم من عظیم القدر انکم من لم یصل علیکم لا صلاة له ای خاندان پیامبر خدا! محبت شما فرض و واجب است که در قرآن آن را نازل فرموده است. در عظمت قدر شما همین بس که هرکس (در نماز) بر شما درود و صلوات نفرستد، نمازش صحیح نیست.» هرچه محبت و دلباختگی و ارتباط قلبی بیشتر باشد، تبعیت، همرنگی، همراهی و همدلی هم بیشتر خواهد شد. ایمان عاطفی به رهبری، حتی در طاعت سیاسی و اجتماعی هم تاثیر می گذارد و تبعیتی عاشقانه می شود، نه صرفا تشکیلاتی و رسمی. از این رو، ارتباط شیعه با اهل بیت (علیهم السلام) را علاوه بر جنبه های اعتقادی بر مبنای علمی، احادیث و منابع دینی، باید عاطفی، روحی و احساسی قرار داد و «آگاهی عقلی» را با «عاطفه قلبی» درهم آمیخت و عقل و عشق را با هم پیوند زد. ایجاد محبت و عشق را باید از مراحل ساده، بسیط و عاطفی شروع کرد و در مراحل بعدی با بصیرت و شناخت بیشتر، آن را تعمیق داد، تا آنجا که «حب»، جزء سرشت انسان گردد و «محبت اهل بیت»، جزء دین یک مسلمان و شیعه در آید و «هل الدین الا الحب»؟ برای این کار، باید زمینه های روحی و آمادگیهای قلبی افراد را در نظر گرفت، و الا محبت اهل بیت به دلهای غیر مستعد و غیر آماده نمی چسبد، آنچنان که کاشی به دیوار کاهگلی نمی چسبد. گاهی هم باید موانع را زدود،

هم چنانکه در لحیم کاری، ابتدا با سنباده و مواد دیگر، چربیها، آلودگیها و جرمها را از محل می زدایند، تا لحیم، بچسبد و جوش بخورد.

راههای ایجاد محبت

۱- استفاده از علاقه به محبویت.

هر س دوست دارد مورد علاقه و محبت دیگران باشد و مورد توجه قرار گیرد. در جذب افراد، اظهار علاقه، خیلی مؤثر است. بخصوص آن طرفی که انسان مورد علاقه او باشد اگر شخصیتی معروف، مهم و معتبر باشد، مورد رغبت بیشتری است. تاچه رسد به اینکه آن طرف، خدا، رسول و ائمه (علیهم السلام) باشند. باید چنین القاء کرد که رشته محبت و علقه ولایی با اهل بیت، موجب می شود انسان محبوب خدا و رسول گردد و چه موهبتی بالاتر از این؟ طرح این مسئله که ائمه، دوستدارانشان را دوست دارند، ایجاد محبت می کند. روایت در این زمینه، بسیار است. از جمله، این حدیث: کسی به محضر علی (ع) رسید و گفت: «السلام علیک یا امیر المؤمنین و رحمه الله و برکاته، کیف اصبحت؟» سلام و رحمت و برکات الهی برتو، ای امیرمومنان، چگونه صبح کرده ای؟ حضرت سربلند کرد و پاسخ سلامش را گفت و فرمود: «اصبحت محبا لمحبینا و مبغضا لمن یبغضنا» صبح کردم، در حالی که دوستدارانمان را دوست دارم و با دشمنان دشمن هستم. طرح مسئله حب متقابل و رضایت طرفینی میان خدا و بنده یا پیامبر و امت، کارساز است. قرآن هم نمونه هایی دارد، همچون: «رضی الله عنهم و رضوا عنه»، «فسوف یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه» خدا از آنان راضی است، آنان هم از خدا راضی اند. خداوند کسانی را خواهد آورد که آنان را دوست بدارد و آنان هم دوستدار خدا باشند.

۲- بیان فضیلت حب آل پیامبر (ص)

فعال ساختن کانال تبلیغ محبت اهل بیت، در جذب دیگران اثر دارد. گفتن و مطرح کردن مؤثر است. به عنوان یک دستور کار، باید فضیلت، آثار و برکات محبت اهل بیت را به صورت پیوسته طرح کرد. به هر حال در عده ای اثر می گذارد و مردم به دنبال یک موج تبلیغاتی در رسانه ها یا مراکز فرهنگی، به سمت و سویی گرایش می یابند. در این باره، احادیث فراوان است. به عنوان نمونه: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «الا و من مات علی حب آل محمد مات شهیدا الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفورا له الا و من مات

علی حب آل محمد مات تائباً الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمناً مستکمل الایمان الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنة الا و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان الی الجنة الا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائکة الرحمة...» هرکس با محبت آل محمد از دنیا برود، شهید مرده است، آمرزیده می شود، با توبه از دنیا رفته است، با ایمان کامل مرده است، فرشته مرگ او را به بهشت بشارت می دهد. از قبر او دو در گشوده می شود به روی بهشت، خداوند قبر او را مزار فرشتگان رحمت قرار می دهد. چنین روایاتی فراوان است. ذکر اینها، دلها را تکان می دهد و شیفته اهل بیت می سازد.

۳- طرح نیازمندی انسان به این محبت و بهره مندی از آن

انسان معمولاً مجذوب کسی یا جایی می شود که گره از کار او بگشاید و بهره برساند. در رابطه های اجتماعی افراد، به وضوح این مساله دیده می شود. در زندگی ممتد و مستمر ما که تا آخرت ادامه می یابد، کجاها گیر می کنیم و نیاز به کمک داریم؟ هنگام مرگ، در برزخ، در رستخیز، هنگام عبور از صراط و... به کارسازی محبت اهل بیت آگاه می شویم. در این زمینه هم حدیث بسیار است. از جمله این چند حدیث مشهور رسول خدا (ص): «حبی و حب اهل بیتی نافع فی سبعة مواطن احوالهن عظیمه: عند الوفاء و فی القبر و عند النشور و عند الکتاب و عند الحساب و عند المیزان و عند الصراط»، محبت من و خاندانم در هفت جا، که هول و هراس آنها عظیم است، سود می بخشد: هنگام مرگ، در قبر، هنگام رستخیز، هنگام گرفتن نامه اعمال، وقت حساب، کنار میزان و سنجش اعمال و هنگام عبور از صراط. «سال رجل رسول الله عن الساعة، فقال: ما اعددت لها؟ قال: ما اعددت لها کبیراً الا انی احب الله و رسوله. قال: فانت مع من اجببت (المرء مع من احب). قال انس: فما رایت المسلمین فرحوا بعد الاسلام لشیء اشد من فرحهم بهذا» مردی از رسول خدا (ص) از زمان قیامت پرسید. حضرت فرمود: برای آن چه آماده کرده ای؟ گفت: چیزی مهمی آماده نکرده ام، جز اینکه خدا و رسولش را دوست دارم. حضرت فرمود: تو با کسی هستی که دوست می داری. انسان با محبوب خود خواهد بود. انس گوید: من ندیدم که مسلمانان بعد از اسلام، به چیزی بیش از این مژده رسول خدا خوشحال شده باشند. علی (ع): «من احبنا کان معنا یوم القیامة، و لو ان رجلاً احب حجراً لحشره الله معه» هر کس ما را دوست بدارد در قیامت با ما خواهد بود. و اگر کسی سنگی را دوست بدارد، خداوند او را با آن سنگ محشور می کند. این مژده بزرگی است که علاقه مند به اهل بیت

بداند که در آخرت هم با آنان محشور خواهد بود. وقتی محبت تا این اندازه کارساز است، چرا این گنج را نداشته باشیم؟!

۴- ارزش جلوه دادن محبت اهل بیت (علیهم السلام)

وقتی کاری مورد تقدیر و تشویق قرار می گیرد و به عنوان «الگو» مطرح می شود، در دیگران هم جذبه و کشش ایجاد می کند. ارزشگذاران جامعه، مسؤولان فرهنگی هنری، برگزارکنندگان مسابقات و جایزه دهندگان، اینها همه نقش دارند. وقتی کسی به خاطر شعر گفتن یا قصه نوشتن یا کتاب خواندن در مورد ائمه (علیهم السلام) تشویق شود، هم محبت پیدا می کند و هم به خاطر این پیوند، احساس عزت و سربلندی دارد. چون می داند که این کیف، چادر، کتاب و جایزه رابه خاطر این موضوع، جایزه گرفته است. وقتی از جوانها می پرسند: در باره چه چیزی، شعر می گویند؟ اغلب می گویند: عشق، بهار، دوستی، زندگی، گل، بلبل و... وقتی پرسیده می شود: چه کتابهایی می خوانید؟ می گویند: رمان، کتابهای علمی، داستانهای تخیلی و... گویا سختشان است بگویند: که در باره خدا و نماز و ائمه (علیهم السلام) شعر می گوئیم. یا کتابهای مربوط به اهل بیت و کتب دینی می خوانیم. چون از این جهت مورد تشویق قرار نمی گیرند، باید شرایطی پیش آورد که اگر کسی در باره اهل بیت، شعر گفت، شعر حفظ کرد، حدیث حفظ کرد، کتاب خواند، قصه نوشت، فیلم ساخت، تابلوی هنری کشید، یا حتی نام ائمه را داشت یا نام اهل بیت را روی فرزند خود گذاشت، احساس افتخار و سربلندی کند و این را ارزش احساس کند و ارزش تلقی کند. مهر تو را به عالم امکان نمی دهم این گنج، پربهاست، من ارزان نمی دهم وقتی از رسانه ها، تلویزیون، مسابقات و گزارشها «الگو» معرفی می شود، این، تاثیرگذار است. امام صادق (ع) فرمود: «یا معشر الشیعه!... علموا اولادکم شعر العبدی فانه علی دین الله.» ای گروه شیعه! به فرزندانان شعر «عبدی» را بیاموزید، چرا که او بر آیین خداست. این تشویق امام صادق (ع) که شیعیان شعر «عبدی کوفی» را به بچه هایشان یاد بدهند، بزرگترین «تشویق» است و «الگودهی» است. شعر عبدی، از فضیلتهاى اهل بیت، موج می زد. «سید حمیری» که از شاعران متعهد شیعه است، می گفت: هر کس حدیثی بگوید از فضائل علی و اهل بیت (علیهم السلام) که من آن را در شعرم نگفته ام، این اسبم را به او می بخشم. دختر «ابو الاسود دؤلی» وقتی فهمید که خلیفه، عسل را فرستاده تا محبت اهل بیت را از دل آنها بیرون کند، آنچه خورده بود، پس آورد، و نخواست با عسل، مهر «آل علی» را از دست بدهد. معلمان در این مسائل، خیلی می توانند خط دهی داشته

باشند و به گرایشها و الگوگیریهای نوجوانان جهت بدهند. حتی اگر یک دختر و پسر غیر متعهد، به خاطر این که اسمشان مهدی یا زینب و فاطمه است، جایزه بگیرند، همین تاثیر ضمنی ایجاد محبت می کند.

۵- تعظیم و تکریم

جوانان، به خاطر حالت الگوگیری از مربیان، حتی از حالات و رفتار آنها هم سرمشق و نکته می گیرند. نحوه برخورد مربیان با اهل بیت در حضور فرزندان، و شاگردان و جوانان، به آنان هم یاد می دهد. نام ائمه (علیهم السلام) را با تکریم و احترام یاد کردن، همراه اسمشان سلام و صلوات فرستادن، به احترام نام امام زمان (عج) برخاستن و دست بر سرنهادن، روز میلاد ائمه را جشن گرفتن و بزرگ داشتن، روز وفاتشان حریم نگهداشتن و حرفهای خنده دار و برخوردهای شاد نداشتن و در غم و اندوهشان حالت غم داشتن، تاثیرگذار است زیرا کوچکترها به بزرگترها نگاه می کنند. این حالت، خصلت شیعه است: «شیعتنا خلقوا من فاضل طیتتنا، یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا» شیعیان ما از افزوده سرشت ما خلق شده اند، با شادی ما شاد می شوند و با اندوه ما غمگین می شوند. حتی کیفیت نام بردن و لحن ما در این مساله، مؤثر است. یک وقت می گوئیم: امام رضا فرمود. و یک وقت می گوئیم: حضرت امام رضا علیه السلام فرمود. این دو با هم خیلی فرق دارد. اگر هنگام شنیدن نام پیامبر (ص) یا یکی از معصومین (علیهم السلام)، زیر لب صلوات بر آنها بفرستیم، این هم نوعی تکریم است و در دیگران، تاثیرگذار. در سالهای اخیر نسبت به برخی از مناسبتها مثلا ایام «فاطمه» یا «روز زن»، در مورد حضرت فاطمه (س) بیش از گذشته، کار فرهنگی و تبلیغی و گرامیداشت، انجام شده است، یا نسبت به امام زمان (ع) این است که می بینیم، به همین تناسب، محبت فاطمه و مهدی (علیهما السلام) و گرایش به این دو، نسبت به گذشته بیشتر شده است، بخصوص در میان جوانان. طبعاً زبان و بیان خاص مربوط به نوجوانان و جوانان، چه در سخن و چه در نوشته ها باید مراعات شود و افق فکر و سطح کودکان در نظر گرفته شود، چه در برنامه های رادیویی و تلویزیونی، چه در صبحگاهها و مراسم جشن و عزا در خانه ها، مدارس، مساجد و هیئتها.

۶- ذکر فضایل اهل بیت و فرهنگ آنان

مردم، آرمانگرا و قهرمان دوستند. اگر شخصیت، فضیلت، فکر و فرهنگ امامان اهل بیت (علیهم السلام) را بشناسند به آنان علاقه پیدا می کنند و این علاقه به تبعیت و همسویی می کشد. امام رضا (ع) در حدیثی فرموده است: «ان الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا» «مردم اگر خوبیهای حرفها و تعالیم ما را بشناسند،

از ما پیروی می کنند.» اینکه چگونه مردم، جوانان و بشریت را با فرهنگ اهل بیت باید آشنا کرد، نکته ظریفی است و باید از تکنیک «هنر» استفاده کرد و در عرضه محتوای کلامی و حیاتی ائمه (علیهم السلام) به نسل امروز، کار رسانه ها در این جهت، مهم است و متأسفانه ضعیفیم. فضایل در دو محور است ۱- جهات آرمانی، خلقت، طینت و... ۲- جهات عملی و قابل اسوه گیری و تبعیت عینی و ملموس از رفتار اهل بیت. طرح هر دو جهت، عامل ایجاد علاقه است، ولی محور دوم موثرتر است که در عین بیان عظمت های فوق تصور، امکان راه یافتن به حریم کمال آنان هم باشد. نوشتن و سرودن در باره فضایل و خوبیهای ائمه و ترویج آنها میان نسل نو، محبت می آورد.

۷- گره زدن خوشیهای زندگی به حیات ائمه

با استفاده از قضیه شرطیه (قضیه پاولوف) به نحوی عمل کنیم که با دیدن چیزی و خاطره ای، پیوند با اهل بیت مطرح شود، جشن گرفتن و شیرینی و عیدی دادن، و جشن تکلیف گرفتن و اعطای مدال و اهدای جوایز و تشویقها اگر در روز تولد فلان معصوم (ع) باشد، خواه ناخواه تاثیر غیر مستقیم دارد. گره خوردن یک خاطره خوش با اهل بیت. شبهای تولد یا روزهای میلاد ائمه، در خانه ها و مدرسه های ما باید یک حادثه خوب یا خاطره خوش پیش آوریم. مثلاً با یک جعبه شیرینی به خانه رفتن، یا شب تولد امام هادی (ع) با یک جعبه شیرینی در دفتر مدرسه گذاشتن به همین مناسبتها، که سبب می شود از یاد نرود.

۸- معرفی کتاب و نگارش مقاله و شعر

این، نوعی کار فرهنگی است که با شناختن و شناساندن کتابهای خوب، جذاب و سازنده در مورد اهل بیت، از علاقه به مطالعه بچه ها استفاده کنیم. کتابی که به مسابقه می گذاریم یا برای تلخیص پیشنهاد می کنیم یا موضوعی که برای مقاله نویسی، شعر و قصه، حتی عکس و نقاشی می دهیم، اگر سوژه های اهل بیتی داشته باشد، مفید است. یا کشاندن روزنامه دیواری به این سمت. یا در خواست خاطره نویسی از زیارت، عاشورا، نیمه شعبان، شب قدر، مجالس سوگواری و امثال اینها.

۹- تشکلهای هیئتی

برنامه های خودجوش نوجوانان که کار گروهی انجام دهند، مثل فعالیتهایی که در نیمه شعبان و برگزاری جشن دارند، یا تشکیل هیئت و راه انداختن دسته عزاداری یا آراستن مسجد، حسینیه و تکیه و برنامه های

ایستگاههای صلواتی آب، شربت، اطعام، احسان و... همه گره زننده قلب نوجوانان با تشکیلات اهل بیت است. بچه ها زمینه های روحی دارند. اینها را باید به کار گرفت، در محله های مختلف از خود آنان «هیئت» درست کرد و خودشان مسئولیت به عهده بگیرند تا فعال شوند. ایام محرم یکی از مناسبترین فرصتهای ایجاد اینگونه تشکلهای هیئتی از دانش آموزان بخصوص در مقطع راهنمایی و اوائل دبیرستان است. در عاشورا و نیمه شعبان، به خاطر شور عمومی مردم، بچه ها جذب اینگونه مراسم می شوند. برای استفاده از این حس خود جوش بچه ها و جهت دادن آن برای ایام دیگر باید سرمایه گذاری کرد. وقتی بچه ها برای خودشان در ارتباط با ائمه، صاحب علم، پرچم، دسته و هیئت می شوند، احساس تشخیص می کنند.

۱۰- ایجاد فضای روحی و معنوی

پدید آوردن صحنه ها و فضاهایی که بچه ها در شرایط خاصی قرار بگیرند و به تدریج حس درونی آنان بیدار شود و جذب گردند. چه بسا اگر کودکان را به حال خود رها کنیم، به این سمت و جهت، کشیده نشوند و به دعا و توسل نیایند. ولی اگر ترتیبی دهیم که در این فضا قرار گیرند، جذب می شوند. مثلا اردوها و دیدارهای از حررها، زیارتگاه ها، مجالس دینی، دعا، توسل و عزاداری، محکم کننده این رشته و رابطه است. این همه اردوهای سیاحتی و زیارتی تشکیل می شود و دانش آموزان مثلا به قم، شیراز، مشهد، جمکران و امثال آنها می روند، تنها تماشای ساختمان، در، دیوار و گنبد نباشد، همراه این دیدارها، تغذیه فکری و روحی شوند و مطلب یاد بگیرند و الگو بگیرند و عشقها و علاقه هایشان را به این خاندان، پیوند بزنند. دیدار با شخصیهایی که تاثیرگذارند در صورت امکان حتما در برنامه این سفرها و اردوها قرار بگیرند. شرکت در مجالس با حال، همین طور است.

یک هشدار

با همه اهمیتی که برای محبت اهل بیت و ایجاد آن در دل بچه ها قائلیم، باید از یکسونگری هم پرهیز داشت و پرهیزشان داد. یعنی آمیختن «محبت» به «عمل»، کار اصلی ماست تا صرف محبت و عشق به اهل بیت (منهای عمل، تقوا و تبعیت) غرور برای محبان نیآورد. امام صادق (ع) فرموده است: تعصی الاله و انت تظهر حبه هذا محال فی الفعال بدیع لو کان حبک صادقا لاطعته ان المحب لمن یحب مطیع خدا را نافرمانی می کنی، در حالی که اظهار عشق و محبت نسبت به خداوند داری، این محال است و در کارها چیز شگفتی است. اگر محبت تو صادقانه بود، از او اطاعت می کردی، چرا که دوستدار، نسبت به کسی که دوستش

می‌دارد، مطیع و فرمانبردار است. اظهار دوستی با خدا باید همراه با تبعیت و اطاعت باشد نه معصیت، چون حب صادقانه به اطاعت محبانه منجر می‌شود. ادعای دوستی با اهل بیت ولی اهل گناه و آلودگی بودن، نوعی تناقض است. باید تفهیم کرد که هرچند دین، «دین حب و محبت» است ولی محبتی، صادقانه است که به همرنگی و هماهنگی کشیده شود. هم چنان که دو نفر وقتی به هم محبت دارند، به خاطر همین محبت، می‌کوشند مثل هم باشند و از رنجاندن و مخالفت دیگری، پرهیز کنند. حدیثی از امام رضا (ع) گویای همین نکته است که نباید به اتکای دوستی اهل بیت، «عمل صالح» را رها کرد و گفت که: «علی داریم: چه غم داریم؟» و امثال اینها: «لا تدعوا العمل الصالح و الاجتهاد فی العبادۃ اتکالا علی حب آل محمد و لا تدعوا حب آل محمد و التسلیم لامرهم اتکالا علی العبادۃ، فانه لا یقبل احدهما دون الآخر.» «نه عمل صالح و تلاشی در عبادت را به اتکای محبت اهل بیت، رها کنید و نه محبت و دوستی اهل بیت و تسلیم آنان بودن را به اتکای عبادت، چرا که هیچ کدام بدون دیگری پذیرفته نیست.» آری... آمیختن «محبت اهل بیت» به «عمل صالح و بندگی».